



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام امور مساجد

آمریت ارشاد و دعوت

مدیریت عمومی تنظیم خطبه ها



رهنما خطبه روز جمعه مؤرخ: ۱۴۴۳/۵/۵ هجری قمری مطابق ۱۴۰۰/۹/۱۹ هجری شمسی

## حقوق زنان از نظر اسلام

الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة إذا تمنى وجعل بينهم مودة ورحمة احمده على نعمه التي لا تحصى، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه أولى الفضل والنهي وسلم تسليماً كثيراً وبعد:

قال الله تعالى: {وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} {الروم: (۲۱)}

ترجمه: یکی از نشانه‌های قدرت خداوند (جل جلاله) این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد در میان شما دوستی و رحمت قرار داده است.

طی قرون گذشته تا اکنون هیچ دین، آئین و قانونی وجود نداشته که زن را چنان حق و حقوق و عزت، کرامت و منزلت دهد که دین اسلام داده است، اسلام در همه جوانب زندگی زنان توجه و عنایت ویژه ای مبذول داشته است.

خداوند متعال در بسا آیات قرآن کریم زن را بامرد مقارن هم ذکر نموده است، هر دو را در داشتن کرامت انسانی و اخلاق عملی برابر خوانده است، برای هر یک حقوق و واجباتی را مقرر داشته که با طبیعت و فطرت شان سازگار باشد، برای کرامت و شأن زن همین کافیهست که در قرآن کریم يك سوره طولانی به نام سورة النساء نازل و نامگذاری شده است.

در دین مبارک اسلام حقوقی زیاد دارد، که برخی از حقوق زنان قرار ذیل است:

### ۱- رضایت دختر در نکاح حتمی است:

یکی از مهمترین حقوق زنان مسلمان حق انتخاب همسر است که با تأسف در بعضی جاها این حق مسلم زن را از وی سلب نمودند و زنان قربانی نزاع، و جنگالهای خونی میگردند.

شریعت اسلامی برای زنان حق داده تا در مورد انتخاب همسر آینده خود تصمیم گیرند؛ حقیکه در زمان جاهلیت از آن محروم بوده اند.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) قَالَ: (لَا تُنْكَحُ الْبِكْرُ حَتَّى تُسْتَأْذَنَ وَلَا النَّبِيَّةُ حَتَّى تُسْتَأْمَرَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ إِذْنُهَا قَالَ إِذَا سَكَتَتْ) صحيح البخاري-نسخة طوق النجاة (ص: ۵۳)

ترجمه: دختر جوان باکره به نکاح داده نشود تا اینکه از وی اجازه خواسته شود و نه زن بیوه تا اینکه طلب امر شود از او.

امام نسفی رحمه الله در این مورد فرموده اند: ( وَلَا تُجْبَرُ بِكْرٌ بِالِغَةِ عَلَى النَّكَاحِ ) تبیین الحقائق (۲/ ۱۱۸)

ترجمه: مجبور کرده نشود دختر جوان بر نکاح.

همچنان فرمان جلالیت مآب امیرالمؤمنین -حفظه الله ورعاه- در این سدد چنین صراحت دارد: (رضایت دختران بالغ در اثناى نکاح ضرورى است. (البته با کفو) مثل) باشد و خطر فتنه و فساد در آن نباشد). هیچکسى کدام زن را به جبر و اکراه به نکاح مجبور نمى تواند.

از این به بعد زن و دختر حق دارد که خواستگارى را قبول نماید و یا هم آن را رد کند. و بنابر حکم شریعت و قانون هیچکس حق ندارد؛ که زنان را از حق مسلم شان محروم سازند و دختر را به کسی که قابل قبول وی نمی باشد به نکاح آن مجبور کند.

## ۲- زنان را کسی به میراث برده نمی توانند:

در دین مقدس اسلام همچنان اگر زن بیوه باشد در حصه سرنوشت خود، خودش تصمیم می گیرد و کسی حق ندارد که وی را به کسی بدون اجازه وی به نکاح بدهد. زیرا زنان مال و متاع نیستند، بلکه زنان همانند مردان انسان آزاد و اصیل هستند، در زمان جاهلیت برای زنان به دیده مال و متاع می نگریستند که اگر مردی وفات میکرد، زنی از وی می ماند، مانند مال متروکه به میراث برده میشد، اما بعد از ظهور دین مقدس اسلام به میراث گرفتن زنان حرام قرار داده شد طوری که در این مورد قرآن کریم چنین میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا} النساء: (۱۹)

ترجمه: ای مومنان برای شما حلال نیست که زنان را جبراً به میراث بیگیرید.

عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما در شان نزول این آیه متبرکه فرموده است: ( قَالَ كَانُوا إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ كَانَ أَوْلِيَاؤُهُ أَحَقَّ بِأَمْرَاتِهِ إِنْ شَاءَ بَعْضُهُمْ تَزْوِجَهَا وَإِنْ شَاءُوا زَوَّجُوا وَإِنْ شَاءُوا لَمْ يُزَوِّجُوا فَهُمْ أَحَقُّ بِهَا مِنْ أَهْلِهَا فَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي ذَلِكَ). (ترصیح البخاری-نسخة طوق النجاة (ص: ۹۲)

ترجمه: در زمان جاهلیت هنگامی که مردی وفات میکرد اختیار زن او در دست اقارب شوهرش قرار میگرفت اگر میخواست همراى آن ازدواج میکرد و یا برای کسی دیگری ازدواجش میداد که خداوند توسط این آیه قرآن کریم مسلمانان را از چنین کاری منع فرموده است.

زمانیکه دین مقدس اسلام ظهور کرد، همه رسوم و عنعنات ناپسند جاهلیت را محوه نمود و حق را به حقدارش تحویل نمود.

به تاسی از حکم شریعت اسلامی، حکومت امارت اسلامی افغانستان حق انتخاب شوهر را، به زن بیوه راجع ساخته و فرمان جلالیت مآب امیرالمؤمنین -حفظه الله- در این مورد چنین حکم می کند: (پس از وفات شوهر، هرگاه عدت شرعی (چهارماه و ده روز و یا وضع حمل) سپری شود، زن بیوه را نه برادر شوهر به زور به نکاح گرفته میتواند و نه کسی دیگری. زن بیوه در مورد نکاح و تعیین سرنوشت خود صاحب اختیار است) (البته که اصل کفو و جلوگیری از فتنه و فساد در نظر گرفته شده باشد).

بناءً اگر کسی زن بیوه را به جبر و اکراه و بدون رضایت وی در نکاح خود در آورد و یا به کسی دیگری به نکاح داد، مرتکب عمل خلاف شریعت و قانون محسوب می گردد.

## ۳- زن انسان آزاد و اصیل است و دادن وی در بدل صلح (بد) جواز ندارد:

دادن زن در بدل صلح (بد) یک عرف قدیمی در برخی از مناطق افغانستان است که تا هنوز معمول است و عادتاً برای حل و فصل کشمکش های ذات البینی خانواده ها و یا دو قبیله از آن استفاده به عمل می آید، دختری از قبیله و یا

خانواده مرد متجاوز یا قاتل به جانب متضرر داده می شود تا قناعت ایشان فراهم شده و جلوی قتل و کشتار بیشتر گرفته شود.

زندگی دخترانی که به بد داده می شوند کاملاً مشکل و طاقت فرسا می باشد، این دختران- که هیچ جرم ندارند- به عنوان بهای جنایت اقرار بش و یا اگر وگان صلح به جانب مقابل داده می شوند و بسا اوقات این دختران نابالغ بوده و هیچ چیزی از زندگی نمی دانند، این دختر اگر بالغ هم باشد در خانه ی شوهر به دیده تحسین با او برخورد نمی شود، چه رسد که خورده سال و نابالغ باشد؛ اکثراً مورد إهانت و تحقیر قرار گرفته و به عنوان کنیز با اونگریسته می شود، و کارهای شاقه به او تحمیل میگردد، انعه از دخترانی که در بدل قتل وارد خانه جدید شده باشند، در فامیل شوهر منحیث يك قاتل به آنها دیده می شود و در هر لحظه زندگی در آن فامیل به مشکلات متعددی مواجه می شوند و بسا اوقات این زنان برای نجات از زندگی تلخ و طاقت فرسا دست به اعمال نادرست چون فرار از منزل و یا اعمال نادرست دیگر متوسل می شوند.

بدون شک توسل به چنین اعمال خسونت بار و خلاف تعالیم اسلامی که به سر نوشت دختران بازی می گردد از منظر شریعت اسلامی مردود است، به دو دلیل اشاره می کنم :

۱- قرآن کریم میفرماید: { وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى } {الاسراء: (۱۵)}

ترجمه: هیچ کس بار گناهی دیگری را به دوش نمی کشد.

بنابراین دختر چه گناهی دارد که قربانی جنایت کسی دیگری شود.

۲- در عنعنه بد دادن اجبار و اکراه نیز وجود دارد، زن بدون رضا و رغبت خودش قربانی جنایت دیگران می شود و این نکاح از اساس باطل است، لذا این عمل ناپسند و کار حرام است باید حق انتخاب زوج و شوهر با کمال آزادی و اختیار به زن ها داده شود.

در حدیث شریف آمده: وعن أبي هريرة - رضي الله عنه - ، عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قَالَ : ( قَالَ اللهُ تَعَالَى : ثَلَاثَةٌ أَنَا حَصْنُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا ، فَاسْتَوْفَى مِنْهُ ، وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ ) . رواه البخاري

ترجمه: سه شخص است که من طرف دعوی آنها هستم در روز قیامت مردیکه عهد و پیمان می کند به من و سوگند یاد میکند بر آن باز آن عهد را نقض میکند و مردیکه انسان اصیل را به فروش می رساند و پول آن را می خورد و مردیکه شخصی را به اجرت گرفت و اوکار او را پوره انجام داد ولی حق او را پرداخت نکرد .

از اینکه در صورت دادن زن در بدل صلح (بد) نوع خرید و فروخت متصور است؛ زیرا گاهی زن معاوضه آن مال می باشد که بالای قاتل و جنایت کار لازم می گردد داده می شود.

از اینرو جلالتمآب امیرالمؤمنین -حفظه الله- لازم دانست تا به این ظلم نافرسانه نقطه پایان داده چنین فرمان صادر نمود: (زن مال نیست، بلکه انسان آزاد و اصیل است و هیچکسی آن را در بدل صلح (بد) داده نمیتواند).

#### ۴- حق ملکیت و حق ارث:

در آیات قرآن کریم و روایات بزرگان دین مالکیت و استقلال مالی زنان همانند مردان محترم شمرده شده ، تفاوت و تبعیضی بین حقوق آن مشاهده نمیشود، قرآن کریم می فرماید: {لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُ لَهُمْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُ لَهُنَّ} {النساء: (۳۲)}

ترجمه: مردان را نصیب است از آنچه به دست می آورند و زنان را نیز نصیبی.

این آیه به روشنی و صراحت زنان و مردان را مالک دست آورد های خودشان می داند.

در حدیث شریف آمده است: (حرمة مال المؤمن كحرمة دمه) سنن دار القطنی.

ترجمه: احترام مال مومن مانند احترام خون اوست.

اسلام علاوه بر اعطای حقوق انسانی برای زن و بالا بردن حیثیت انسانی او در مورد میراث زن نیز، قوانینی و مقرراتی را وضع کرده است طوری که الله جل جلاله در قرآن کریم میفرماید: {لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا} النساء: (۷)

ترجمه: برای مردان از آنچه پدر، مادر و خویشاوندان از خود بر جای میگذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان میگذارند سهمی است، خواهی آن مال کم باشد یا زیاد این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

در آیه دیگری خداوند متعال فرموده است: {يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّاتِ} النساء: (۱۱)

ترجمه: خداوند درباره‌ی (ارث بردن) فرزندان (و پدران و مادران) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون مُردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره‌ی يك مرد به اندازه‌ی بهره‌ی دو زن است.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: (أَلْحِقُوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرَ). صحیح البخاری

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم، فرمود: سهمیه های معین شده ی ارث را به صاحبان آنها بدهید و باقیمانده آن را به نزدیکترین خویشاوند مرد میت بدهید.

همچنان امروز که در افغانستان زنان از میراث محروم اند، جلالت مآب امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ورعاه- در حقه حق ارث زنان چنین فرمان را صادر نمود: (زن در مال شوهر متوفی، اولاد، پدر و دیگر اقارب به فرضیت و عصبیت حق میراث و سهم ثابت دارد و هیچ کس وی را از حقه محروم کرده نمیتواند).

زنان قشر محروم افغانستان شرعا حق دارند که در مال متروکه شوهر، پدر، اولاد و دیگر اقارب خویش سهم معین داشته می باشد و قانونا حق دارند تا سهم خود را مطالبه نمایند و از آن استفاده کنند.

## ۵- اصل عدالت :

خداند متعال برای مسلمان از یک الی چهار زن گرفتن مباح گردانیده است؛ مشروط به اینکه در بین آنان عدالت رعایت کند.

کسیکه بیش از یک زن داشته باشد در شب خوابی، نفقه، کسوه و مسکن میان آنها عدالت را مراعات نماید.

عدالت در شب خوابی، مسکن، نفقه و لباس از حقوق زن می باشد که مطابق توان مرد می باشد.

خداوند متعال فرموده: {وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا} النساء: (۳)

ترجمه: و اگر ترسیدید از اینکه در (ازدواج) با دختران یتیم عدالت را مراعات کرده نمی توانید از نکاح آنها صرف نظر کنید و از زنان دیگر آنچه را که حلال است دو دو سه سه و چهار چهار نکاح کنید اگر ترسیدید که در صورت نکاح بابت بیشتر از یک زن عدالت کرده نمی توانید یکی را نکاح کنید یا از کنیزانیکه دستهای شما مالک آنها است استفاده به عمل آرید این کار نزدیکتر است به اینکه ستم نکنید.

در آیه دیگر الله جل جلاله میفرماید: {وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً} النساء: (۱۲۹)

ترجمه: وهرگز نمی توانید در میان زنان عدالت را رعایت کنید اگر چه بسیار رغبت هم داشته باشید پس بطور کلی به یک طرف توجه مکنید که یک زن خود را به منزله زن معلق قرار دهید و اگر اصلاح و پرهیز گاری را در پیش گیرید پس الله آمرزگار مهربان است .

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَتَانِ يَمِيلُ لِأَحَدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدُ شِقْيِهِ مَائِلٌ) سنن النسائي بشرح السيوطي وحاشية السندي (۷/ ۷۴)

ترجمه: کسی که برای او دو زن باشد رغبت و میل به یکی آن دو داشته باشد در روز قیامت طوری می آید که یک طرف بدن آن فلج می باشد.

البته ناگفته نه ماند، که میلان که نصوص آن را ممنوع قرار داده است؛ میلان اختیاری است و در میلان غیر اختیاری مواخذه نمی باشد.

برخی از علمای احناف گفته اند که رعایت عدالت بالای مردها واجب است.

علامه کاسانی رحمه الله نوشته است: از آنجمله مسائل یکی هم وجوب عدالت است در حقوق آنان . خلاصه موضوع چنین است اگر کسی اضافه از یک زن داشته باشد بالای وی واجب است تا در حقوق آنان مانند: شب خوابی، نفقه، لباس عدالت مراعات کند حتی اگر کسی دو زن داشته باشد، که هر دو آزاد باشد و یا هر دو آنان کنیز باشد بالای وی واجب است تا در حقوق آنان از قبیل خوراک، مشروبات، پوشاک، مسکن، و شب خوابی عدالت را مراعات کند. بدائع الصنائع (۲/ ۳۳۲)

همچنان در فرمان جلالت مآب امیر المؤمنین راجع به حقوق شرعی زنان چنین صراحت دارد: (کسیکه چند زن دارند مکلف است حقوق همه زنان را مطابق حقوق شرعی بدهد و در بین شان عدل قایم کند).

## ۶- حق مهر:

کلمه مهر یا مهریه عیناً در قرآن به کار نرفته و به جای آن کلمه صداق به فتح یا کسر صاد استعمال شده و صداق را این گونه تعریف کرده اند: صداق مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن میدهد، در آیه چهارم سوره نساء آمده است: (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً) النساء: ۴

مهریه زنان تان را از باب پاداش یا بدهی به آنان بپردازید ، نکاتی که از این آیه استفاده می شود :

۱. مهریه (صداق) نشانه راستین بودن علاقه مرد به زن است ، چون صداق از ماده صدق است .

۲. باملحق کردن ضمیر هن این مطلب را می رساند که مهریه با خود زن تعلق می گیرد ، نه پدر، مادر و برادر مهریه مزد بزرگ کردن دختر نیست .

۳. با کلمه نحل که در ادامه آیه ذکر شده است، این نکته را متذکر می شود که مهریه عنوانی جز هدیه ، پیش کش و عطیه را ندارد ، و سخن کسانی را که معتقد اند که مهریه بهای دختر است رد می کند .

امیر المؤمنین راجع به حق مهر زنان چنین کلمه صادر نموده اند: (گرفتن مهر از شوهر از حق شرعی بیوه است )